

عنوان مقاله:

بررسی کانون شدگی و راوی در رمان فی الطریق الیهیم از هدیه حسین

محل انتشار:

مجله لسان مبین، دوره 12، شماره 42 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

محمود آبدانان مهدیزاده - گروه زبان و ادبیات عربی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز ایران

سعیده جلالی فرد - دانشگاه شهید چمران اهواز

قدرت قاسمی پور - گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز ایران

خلاصه مقاله:

در ادبیات کلاسیک بررسی راوی و کانون شدگی در داستان و رمان بصورت کلی و در زاویه دید خلاصه می‌شد. اما با ظهور نظریه‌های جدید زبان‌شناسی از سوی برخی صاحب نظران بخصوص ژنت، این دو بصورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار گرفت و از هم مجزا شدند. راوی یعنی کسی که داستان را نقل می‌کند و کانون‌گر یعنی کسی که چیزی را مشاهده و سپس مورد توجه قرار می‌دهد. هدیه حسین نویسنده عراقی از رمان نویس‌های معاصر عراق است که توانسته با نوشتن چندین رمان در زمره رمان نویسان تا حدودی موفق زن عرب قرار بگیرد. از جمله آثار او، رمان فی الطریق الیهیم است که با نگاهی فردی-اجتماعی به مسائل جامعه آن روز عراق نوشته شد. راوی اصلی این رمان کودکی شش ساله است که با وجود خردسال بودن، اما از انواع کانون‌گری و روایتگری مختلف استفاده کرده است؛ همین امر باعث شده تا این رمان برای این پژوهش انتخاب و دو مؤلفه مذکور آن با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار بگیرد. در این رمان پیوسته با تغییر کانون روایت روبرو هستیم؛ اما با توجه به غلبه «من اول شخص»، عمدتاً کانون‌ساز به صورت درونی نمود می‌یابد؛ بدین ترتیب راوی صاحب اصلی‌ترین پنجره کانون شدگی است. البته بصورت محدود این دو از یکدیگر مجزا می‌شوند و کانون‌گری از نوع درونی به بیرونی و راوی از درون داستانی به راوی دیگرگویی تبدیل می‌شود. گاهی نیز بصورت نادر راوی ناشناس-درون داستانی بصورت نامحسوس در هیبت راوی اصلی اما با آگاهی بیشتر و یا در قالب سوم شخصی ناآشنا در داستان حضور پیدا می‌کند.

کلمات کلیدی:

کانون شدگی، راوی، هدیه حسین، رمان فی الطریق الیهیم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1149559>

